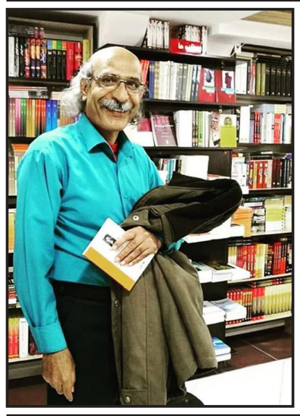
نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و سوم- شماره ۹۲۳ یک شنبه ۱٦ شهریور ۱۳۹۹ - ٤ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



درگذشت طنزنویس شهیر استان بوشهر

دشتستان بدون تو، بدون طنز ...

صفحه ۴



یادِ همایونِ دوست

دکتر فیوض، روشنایی بخش شهرمان بوشهر چگونه خاموش شد؟

دکتر عبدالرحیم مهرور

صفحه۴

خطرات بازگشایی مدارس در ایام کرونا

صفحه ۲



مصاحبه با مسعود ماهینی کاریکاتوریست و هنرمند بوشهری:

شکلک های بوشهری در فضای مجازی





ماهیگیران و کارگرانی که به لیگ۲ رسیدند

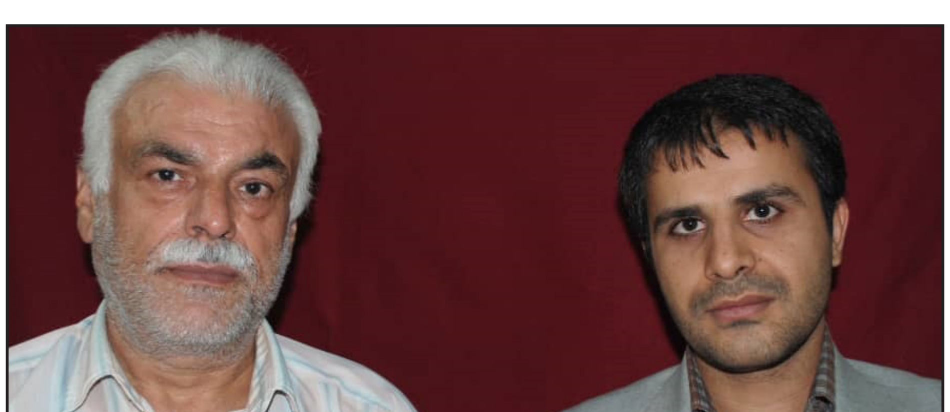


موفقیت شاهین بندر عامری با دستان خالی

صفحه۳

سوک نامه مورخ و باستان نامه نویس بزرگ دشتستان

دکتر سجاد واعظی



مظلومانه زیست، و غریبانه سر بر خاک نهاد.

نماز شام غریبان چو گریه آغازم
به مویه های غریبانه قصه پردازم
به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار
که از جهان ره و رسم سفر براندازم
من از دیار حبیبم نه از بلاد غریب
مهیمنا به رفیقان خود رسان بازم(حافظ).

«در شبی بارانی در واپسین روزهای آبان ۱۳۸۴، پس از گذشت یک سال از انتشار کتاب "دشتستان در گذر تاریخ"، صفحات آن را از نظر می گذراندم. کتابی که در این یک سال بسیار بدان مراجعه کرده-ام و از اهالی شریف دشتستان یاد خیر آن را شنفته-ام: نگارش جناب آقای "محمد جواد فخرایی"چهره ماندگار سرزمین دشتستان.

دشتستان: سرزمین نخل های باشکوه و رود خانه های جاری که رو به سوی دریای پارس دارند و آقای فخرایی هم چون دریایی است که در زیر آفتاب پر شور و با حرارت دشتستان روز و شب در پی کشف زوایای پوشیده و ناپدیدار تاریخ دشتستان بوده است. و البته او هیچ گاه از این کار خسته و فرسوده نشده و با ایمان به ارزش کار، همه ناملایمات، سختیها و حتی بی مهریها را پشت سر گذاشته است. اینجانب از دوران دبیرستان که توفیق آشنایی با ایشان (یکی از بهترین معلمانم) را پیدا کردم، همیشه از محضر ایشان و اطلاعات وافرشان در زمینه تاریخ استفاده کرده ام.

نوشتن کتاب "دشتستان در گذر تاریخ" با حجمی بیش از پانصد صفحه، برگ زرینی در زندگی معنوی و علمی ایشان است. تلاش بی وقفه آقای فخرایی در برگزاری همایش توسعه دشتستان در سال ۸۳ و پیگیری های خستگی ناپذیر برای برگزاری کنگره نکوداشت مشاهیر و مفاخر دشتستان همچون میرزا محمد خان برازجانی(غضنفرالسلطنه)، آیت الله شیخ محمد حسین مجاهد برازجانی و دیگر دانشمندان، شعرا و فرهیختگان این دیار، حکایت از صمیمیت و علاقه آتشین او به این سرزمین دارد و چرا ما این همه تلاش ها را ارج ننهیم. و این پشت کار والا را نستاییم. چه اینکه توسعه و پیشرفت هر منطقه منوط به ارزش گذاری و بزرگداشت اندیشمندان آن دیار است .»

همشهریان و هم استانی های دلبندم، نوشته بالا را پانزده سال پیش نگاشتم و در کتاب قلم اینجا رسید(سال۱۳۸۸) هم دیگرباره منتشر شد. امروز دیگر محمدجواد فخرایی در میان ما نیست تا مراسم نکوداشتی برای او برگزار کنیم. او در شهر خود هم غریب و مظلوم بود، و هنگامی که در آخرین تماس با آن نوشین روان، شنیدم که خانه و کاشانه اش را در برازجان فروخته -کلبه و سرایی که جای جای آن نسیم دل انگیز تاریخ و یاد و خاطره دشتستان است- و می خواهد به شیراز کوچ کند، و به مصداق شعر حافظ:

ما آزموده ایم در این شهر بخت خویش بیرون کشید باید ازین ورطه رخت خویش، بسیار اندوهگین و دلشکسته شدم. گویا سرنوشت و فرمان آسمان، این بود که فخرالمحققین تاریخ دشتستان، دور از جای باش و زادبوم خود، جهان را بدرود گوید و با پروردگار دیدار کند. و خواست خدا این بود که من هم دور از میهن و خانمان، خبر مرگ استاد را بشنوم. خداوند او را رحمت کند. می گویم : «ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته، خشنود و پسندیده به سوی خدای خویش بازگرد.»

در آخرین شبی که استاد محمدجواد فخرایی، فردایش درگذشت، در رویا وی را زیارت نمودم و ایشان را در خواب دیدم. هنگامی که فردایش خبر وفات استاد را شنیدم، شگفت زده و هرآینه بسیار اندوهگین شدم.

درباره مزار و فرجامگاه استاد، کاش پیکر پاک وی را -که خود اسطوره تاریخ دشتستان بود و کسی بود که سالها با تاریخ زیست و همواره در راه بالابردن زادگاهش کوشید- در نزدیکی و همسایگی یکی از امکنه تاریخی دشتستان به خاک می سپردند؛ همچون جلو کاروانسرای تاریخی برازجان، یا در: هم دیواری آرامگاه میرزا محمد خان برازجانی(غضنفرالسلطنه)، یا: میدان شهدای خلیج فارس که تندیسی از میرزا محمدخان برازجانی نیز به همت چندین ساله آن از دست رفته، آنجا برپا شد، یا کنار جایگاه های باستانی و تاریخی دشتستان؛ همچون آثار باستانی روزگار هخامنشیان و.... اما با اندوه و رنج، به کسی دسترسی نداشتم که دیدگاهم را به وی بگویم. و هرآینه برای این کار بزرگ، اگر خدا بخواهد، در آینده کوشش خواهم نمود.

آن محقق پرتلاش و خستگی ناپذیر در حال نگاشتن آثار باارزش دیگری نیز بودند، که چه بسا ناتمام مانده باشد. از دوستداران تاریخ درخواست می کنم آن یادبودها را نیز چاپ و منتشر نمایند که مصداق باقیات صالحات خواهد بود. نامگذاری خیابان ها و جایگاه هایی در شهرستان دشتستان بنام آن استاد ارجمند، کرداری نیکو و گرامی خواهد بود.

بسیاری از مسوولان و نمایندگان پیشین مجلس و افرادی که از آنها انتظار می رفت، پیامی برای درگذشت آن شادروان نفرستادند. به عنوان یکی از بزرگترین و محبوب ترین شاگردان تاریخ آن زنده یاد، می گویم که محمدجواد فخرایی هیچ نیازی به تسلیت نامه شما نداشته و ندارد. تنها امیدوارم فرزندان دشتستان، روزی ایده ها، آرزوها و خواسته های این دوستدار دشتستان را که اکنون در میان ما نیست، استوار کنند.

رفتی و از رفتن تو، قلب آیینه شکسته
کوچه ها در خلوت شب، پنجره ها همه بسته
آسمان خاکستری رنگ، بغض باران در نگاهش
خنجری در سینه دارد، توده ابر سیاهش
بی تو من از نسل بارانم، بارانم، بارانم
چون ابر بهارانم، گریانم، گریانم، گریانم
بی تو من با چشم گریان، سیل غم برد آشیانم...

دکتر سجاد واعظی- عضو هیات علمی دانشگاه دولتی سیستان و بلوچستان گروه ادیان و عرفان؛ حافظ بین المللی قرآن کریم و پژوهشگر تاریخ، ادبیات و عرفان

استاد فخرایی تاریخ دشتستان را برای آگاهی، افتخار و عبرت به نگارش درآورد

ناصر کرمی



خاطرات شیرین و ماندگار تدریس دل نشین درس تاریخ در کلاس درس و اردوهای تفریحی به سرپرستی معلمی جوان، پرشور، سرزنده و طبیعت گرا در ذهن و ضمیر اینجانب که افتخار سه سال شاگردی ایشان را در سال های نوجوانی در مدرسه راهنمایی روستای خلیفه دشتستان داشته ام به یاد ماندنی است.

استاد فخرایی تاریخ دشتستان را برای آگاهی، افتخار و عبرت به نگارش درآورد

دولت جاوید یافت هرکه نکونام زیست
کر عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

استاد محمد جواد فخرایی که عمر ارزشمند و شریف خود را برای تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان این دیار صرف کرد، از کوه ها و دشت های دشتستان دل برید و برای همیشه به آسمانها پرکشید تا خاطره ی خستگی ناپذیری اش همچنان با دوستان، شاگردان و خانواده محترم شان ماندگار بماند. زنده یاد فخرایی علاوه بر تدریس دل نشین و استادانه درس تاریخ، با قلم پرتوان و عالمانه خود تاریخ پر افتخار دشتستان را نیز برای آگاهی، افتخار و عبرت نسل کنونی و آیندگان به نگارش درآورد.

خاطرات شیرین و ماندگار تدریس دل نشین درس تاریخ در کلاس درس و اردوهای تفریحی به سرپرستی معلمی جوان، پرشور، سرزنده و طبیعت گرا در ذهن و ضمیر اینجانب که افتخار سه سال شاگردی ایشان را در سال های نوجوانی در مدرسه راهنمایی روستای خلیفه دشتستان داشته ام به یاد ماندنی است.

پس از سال های نسبتاً طولانی، در مراسمی که به همت کانون فرهنگی- تربیتی آموزش و پرورش دشتستان در سال ۱۳۹۶برای بزرگداشت این استاد فرهنگ دوست و پژوهشگر برگزار شده بود توفیق دیدارشان نصیبم شد توأم با عرض ادب، تجدید ارادت.

بی تردید قداست و منزلت آموزش و پرورش بیش از هر چیز مرهون وجود ارزشمند چنین انسان های اندیشمند و فرهیخته ای می باشد که همواره کم شمارند.

از حضرت حق برای این معلم ماندگار آمرزش و برای بازماندگان معززش،علاقه مندان، جامعه فرهنگی استان بوشهر بویژه فرهنگیان گران ارج دشتستان صبر و سلامتی آرزومندم.

ظرفیت پروژه‌های شیرین‌سازی آب دریا در بوشهر ۷ برابر شد



بوشهر-ایرنا- معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت:ظرفیت شیرین‌سازی آب دریا در این استان با افزایش ۷ برابری از ۲۰ هزار متر مکعب به ۱۵۰ هزار مترمکعب در دولت های یازدهم و دوازدهم افزایش پیدا کرد.

مهرداد ستوده در بازدید خبرنگاران از پروژه آب‌شیرین کن ۳۵ هزار مترمکعبی بوشهر افزود: این پروژه ۳۵ هزارمترمکعبی با ۳۲ درصد پیشرفت فیزیکی فاز نخست آن با ۱۲ هزارمترمکعب تا پایان امسال بهره‌برداری می‌شود.

وی بیان کرد: اعتبار احداث آب شیرین کن، خط برق و خط انتقال پروژه نیز به ترتیب ۱۰ هزار، ۱۰۰ و ۴۰۰ میلیارد ریال است.

معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: با بهره برداری از پروژه آب شیرین کن بوشهر مشکل آب شرب استان بوشهر و بویژه شهر بوشهر به طور کامل برطرف خواهد شد.

وی عنوان کرد: بزودی عملیات اجرایی پروژه آب‌شیرین کن ۱۷ هزارمترمکعبی برازجان مرکز شهرستان دشتستان نیز آغاز خواهد شد.

ستوده با اشاره به اجرای سدهای بزرگ و کوچک‌تر مقیاس در بوشهر گفت: سدهای باغان، دالکی، دشت پلنگ، خاییز، ارغون کلمه، اخند عسلویه، آبپا دشتستان و قیزقلعه دشتی از جمله سدهای در دست ساخت استان بوشهر است.

ستوده یادآورشد: تا پایان امسال نیز سدهای اخند، خاییز و ارغون در استان بوشهر آبگیری و افتتاح خواهد شد.

وی اظهارداشت: استان بوشهر در عرصه اجرای طرح‌های عمرانی در زمینه‌های مختلف عمران شهری، روستایی، راه‌سازی، راه‌آهن و دیگر عرصه‌ها طرح‌های مهمی را اجرایی کرده است.

وی تامین آب آشامیدنی را یکی از مطالبات مهم مردم در شهرها و روستاها دانست و گفت: در این زمینه طرح‌های مهمی در عرصه سدسازی، شیرین‌سازی آب دریا و حفر و تجهیز چاه‌ها اجرا و عملیاتی شده است.

نسیم جنوب
خبر
شماره ۹۲۳ یک شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

خطرات بازگشایی مدارس در ایام کرونا

فاطمه فرامرزی

حال که در آستانه بازگشایی مدارس بصورت حضوری در استان هستیم شاهد استرس و نگرانی بیش از حد هزاران خانواده و دانش آموز هم استانی برای تصمیم وزیر محترم برای آموزش حضوری دانش آموزان هستیم .

اشتباه ترین تصمیم مقام عالی وزارت اموزش و پرورش شروع زود هنگام مدارس (۱۵شهریور) بصورت یک نسخه کلی برای همه استان ها بخصوص استان های گرمسیر بوشهر، خوزستان وبندرعباس بود. استانهایی که تا اوایل آبان بدلیل گرمی بیش از حد هوا مجبورند کولرهای خود را روشن کرده و درها را ببندند قطعا علت وضعیت قرمز این استان ها در چند ماه گذشته تا حدود زیادی شاهد این مدعاست؛ زیرا امکان بازگذاشتن درب و پنجره ها در این هوای طاقت فرسا امکان پذیر نیست. حالا تصور کنید این حجم دانش آموزان بخصوص در مدارس دولتی دوشیفته که آمار بعضی مدارس آن به بیش از ۴۵ تا ۵۰ نفر رسیده و اغلب مدارس و مناطق امکانات صددرصدی ضد عفونی و بهداشتی نگه داشتن مدارس را ندارند چطور می توانند مدیریت و برنامه ریزی کنند که دانش آموزان در کلاس درس بصورت حضوری شرکت نموده و سلامت آن ها تضمین شود .

تصور کنید حتی اگر یک نفر معلم یا دانش آموز در هر مدرسه ناقل بدون نشانه کرونا باشد چه فاجعه ای رخ خواهد داد؟ در صورت ابتلای دانش آموزان و معلمان و کادر مدرسه مسئولیت این فاجعه به عهده چه کسی است؟ آیا کادر بهداشت و درمان توان و آمادگی لازم جهت رویارویی، پذیرش و جوابگویی احتمالی این فاجعه انسانی را خواهند داشت؟

پیشنهاد من به عنوان یک فرهنگی بازنشسته، مدیر و موسس مدرسه به وزیر محترم بازگشایی مدارس در استان های گرمسیر از پایان فصل پاییز باشد.(چون فصل پاییز در این استان ها اوج سرماخوردگی و آلرژی بوده و در صورت ابتلا دانش آموزان یا معلمان به کرونا به راحتی قابل تشخیص نیست) آموزش و پرورش می تواند این عقب ماندگی سه ماهه را از سه طریق جبران کند .

–افزودن و اختصاص پنجشنبه ها به آموزش از دی ماه

–تقلیل تعطیلات نوروز

–ادامه آموزش تا پایان خرداد ماه (معمولا آموزش در مناطق گرمسیر اواخر اردیبهشت به اتمام می رسد)

–قطعا تا سه ماه آینده امکان و احتمال واکسن کرونا هم بیشتر خواهد بود.

با آرزوی صحت و سلامتی برای همه شما عزیزان، دانش آموزان، معلمان و کادر دلسوز درمان در سراسر کشور.

املاک شهرداری بوشهر را پس دهید



اکبر توسلی، عضو شورای شهر بوشهر، در مورد وضعیت باز پس گیری ملک متعلق به شهرداری بوشهر (مرکز رشد سابق جنب پارک مادر) گفت: بر اساس بررسی‌های انجام شده و مطابق سند ملکیت به شماره ۰۰۶۸۵۲ سری ب سال ۹۰ مالکیت مطلق این ملک با شهرداری بوشهر بوده و هیچ مجموعه ای حق دخل و تصرف در آن را ندارد.

وی با بیان این که هرگونه بهره برداری از ملک مورد نظر غیرمجاز بوده، افزود: به هر دلیلی اکنون این ملک به فراموشی سپرده شده و توسط مجموعه ای دیگر اشغال شده است؛ اما باتوجه به شرایط اقتصادی موجود که برخی مجموعه های مستقیم و وابسته شهرداری در اماکن استیجاری به سر می برند و هزینه های گزافی صرف این موضوع می شود، رها کردن موضوع توجیه ندارد و مجموعه مستقر بایستی ملک مورد نظر را تخلیه و دراختیار مجموعه های وابسته به شهرداری قرار دهد و در این زمینه ضروری است هماهنگی لازم با مقامات قضایی صورت گیرد تا در صورت لزوم از کمک آنها بهره‌مند شویم.

وی در پایان گفت: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است.

وی خواستار شناسایی و تعیین وضعیت املاک شهرداری که در اختیار شهرداری نیست، شد تا هرچه سریعتر نسبت به انتقال آنها به شهرداری بوشهر اقدامات قانونی صورت گیرد.

مصاحبه نسیم جنوب با مسعود ماهینی کاریکاتوریست و هنرمند بوشهری:

شکلک های بوشهری در فضای مجازی





– چه شد که بفکر کشیدن استیکرهای بومی افتادید؟

– همزمان با اوج گیری ارتباطات بصورت مجازی



در عصر دیجیتال بخاطر وجود زبانهای مختلف در سرتاسر دنیا در مکالمات و ارتباطاتی که هر روز انجام میگیرد سبب شکل گیری و بوجود آمدن "اموجی ها" شد که نقش های کلیدی را ایفا می کنند و در واقع می توان گفت به نوعی استاندارد تبدیل شده اند. این اشکال زیبا و مملو از رنگ را امروزه می توان در هر پست مربوط به رسانه های اجتماعی مشاهده کرد و می شود گفت همه ما از این آیکون ها استفاده می کنیم.

در کنار "اموجی ها" مقوله دیگری به نام "استیکر" نیز مطرح می شود که همراه با پلتفرمهای مدرن پیام رسان و همچنین اپلیکیشن های گوناگون جهت طراحی و ساخت آنها به کاربران معرفی شد که متفاوت تر از موارد یاد شده (اموجی ها) هستند. یکی از آن ویژگیها این است که می توان از آن ها بصورت بومی بهره برد.

– سوژه های این استیکرها از کجاست؟

– از آن جایی که در هر فرهنگی زبان و واژه های آن کلیدی است به شیوه نگرش مردم به جهان و در کنار آن حکایت ها و ضرب المثل ها یی وجود دارد که پرده از حقایق مکتوم برمی دارند و همین اصطلاحات و تکیه کلام ها خود گنجینه ارزشمندی است که در طی سالها در زبان، فرهنگ و آداب و رسوم مردم متبلور یافته و از این رو سرزمین بوشهر همان طور که می دانیم خاکش از دیرباز پایمال گزند بیگانگان بوده، به همین دلیل از چشمه های جوشان چنین زیبایی ها و حکمت هایی در ضرب المثل ها، حکایتها، آیین و ارتباطات و مکالمات مردم این دیار می توان یافت.

– چه طور به این سوژه ها رسیدید؟

– از آن جایی که سنتها، رسوم، آداب، فرهنگ و زیست بوم هر قوم در بر دارنده ریشه دار ترین ارزشهاست که طی سالیان متمادی با گذر از حوادث و تند بادها و عواملی که باعث زوال آن ها می شود، شکل گرفته و همین سنتها و آداب و رسوم هستند که پایداری قومیت ها را تضمین می کنند و به نوعی وظیفه ماست که در عصر حاضر در پاسداری از آنها



درنگ نکنیم و چه بهتر که بتوانیم در عصر حاضر با وجود پیدایش علوم و فنون جدید از آن ها جهت حفظ و پاسداری ارزشها بهره ببریم.

– استقبال از آنها در فضای مجازی چطور هست؟

– تا الان که خیلی خوب بوده و واقعا انرژی خوب گرفتم و انگیزه ای شده برای ادامه ی کار.

– برنامه جدیدی هم برای ادامه یا ورود به موضوعات جدید دارید؟

– در حال حاضر در جهت حفظ فرهنگ و ارزشهای بومی غیر از استیکرها، روی پروژه ی ساخت مجسمه با بهره گیری از اشیا (جان بخشی به اشیا) مشغول به کار هستم و سعی دارم برای نامگذاری آنها از اصطلاحات بومی استفاده کنم.









داستان یک مصاحبه در نسیم جنوب

دکتر سجاد بهزادی



شهریور سالروز درگذشت دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت است؛ فردی که می‌توان او را یکی از شخصیت‌های مهم انقلاب و از سیاستمداران کهنه‌کار ایران به شمار برد.

با تأسیس نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، یزدی به همراه مصطفی چمران، علی شریعتی و صادق قطب‌زاده به تأسیس این نهضت پرداخت و به‌عنوان رئیس شورای مرکزی نهضت آزادی ایران در خارج از کشور انتخاب شد.یزدی هنگام خروج امام از عراق به امام پیشنهاد مهاجرت به فرانسه را داد و خانه‌ای نیز در نوفل‌لوشاتو برای امام تهیه کرد. یزدی در این مدت از مشاوران ارشد امام بود اما دیری نپایید که از قطار انقلاب پیاده شد.

یزدی ثبت نام های بی فرجام انتخاباتی هم کم نداشت. او در سه انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شد. در سال ۶۴ و در سال ۷۶ به همراه دیگر هم فکرانش در انتخابات نام‌نویسی کرد که رد صلاحیت شد. سپس در سال ۱۳۸۴ درحالی‌که باز ردصلاحیتش تقریبا قطعی دانسته می‌شد، از سوی نهضت آزادی ایران نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ایران شد.

در این سال من از طرف خانه مطبوعات استان بوشهر و نشریه نسیم جنوب به نمایشگاه کتاب و مطبوعات تهران رفتم . می خواستم علاوه بر خرید کتاب های مورد علاقه ام دست خالی به استان بر نگردم و یادداشت یا مصاحبه ای هم جهت انتشار در نسیم جنوب با خود داشته باشم.آن زمان نمایشگاه کتاب و مطبوعات با هم برپا می شد و هنوز از هم تفکیک نشده بود. در غرفه روزنامه اقبال و شرق بودم که مردی خوش سیما و کراوات پوش وارد سالن شد. حال وهوای انتخابات بود و ابراهیم یزدی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری بود. اگر چه جمعیت



زیادی یزدی را احاطه کرده بودند اما مصاحبه با وی را بهترین فرصت برای خودم می دیدم.

آن زمان من ۲۲ ساله و خبرنگار نسیم جنوب بودم. خبرنگاران زیادی در سالن بودند و من به سختی توانستم ضبط صوتم را به یزدی نزدیک کنم و پرسشی طرح کنم تا نظرش را به یک مصاحبه کوتاه جلب کنم.

پرسش من: جناب دکتر یزدی؛ بسیاری از روشنفکران یا وطن را ترک کردند یا در انفعال کامل به سر می برند؛ اما شما پوسته را شکستید و وارد رقابت های انتخاباتی شدید و حرفهای تندی هم می زنید که احتمال می رود ردصلاحیت شوید. بهتر نیست دندان بر جگر بگذارید تا در صورت پیروزی بتوانید ۴ سال با مردم ایران سخن بگویید؟ جناب یزدی شما بیشتر برای ابراز عقیده به انتخابات ریاست جمهوری وارد شدید یا واقعا برنامه رئیس جمهور شدن دارید؟

پاسخ دکتر یزدی: سخن شما را قبول دارم ولی لحظه ای نمی توانم از آن چه که اعتقاد دارم خاموش باشم...

(این مصاحبه در نشریه نسیم جنوب شماره ۳۴۶ و در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴ منتشر شده است.)

مصطفی معین، علیرضا رجایی، مصطفی تاج زاده، محسن میردامادی و علی مزروعی از دیگر افرادی بودند که در این سفر و در حاشیه نمایشگاه کتاب و مطبوعات تهران با آنها مصاحبه انجام دادم و در قالب یک گزارش در نسیم جنوب منتشر گردید.

توکویل جامعه شناس فرانسوی، انقلاب‌ها را بر مبنای اولویتی که درآن غالب می‌شود به دو دستهٔ «انقلاب برای آزادی» و «انقلاب برای برابری» تقسیم بندی می کرد. مثلا اعتقاد داشت انقلاب آمریکا برای آزادی بود و انقلاب فرانسه برای برابری. اما به اعتقاد من ابراهیم یزدی سیاست مدار لیبرالی بود که در دل انقلاب ایران هم دنبال آزادی بود و هم برابری؛و سالها بعد از انقلاب نیز به خاطر این آرمان از پای ننشست و تلاش کرد.

به هر حال ابراهیم یزدی نیز یکی از دهها معتمدی بود که در شکل گیری و تقویت انقلاب نقش تعیین کننده ای داشتند اما در دوران عمرشان مغضوب همین انقلاب شدند. یزدی مصداق بارز گزاره ای شد که می گوید"انقلاب فرزندان خود را می خورد".

هفته نامه نسیم جنوب

تلفن های تماس:

۳۳۳۲۸۱۵۱ – ۳۳۳۲۵۹۰۰

۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹

مقاله
شماره ۹۲۳ یک شنبه ۱۶ شهریور ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

اقتصاد نهادگرایی و مسئله فقر

دکتر رسول هاشمی



فقر و نابرابری از دیرباز ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است. این که فقر چیست و چه عللی می تواند داشته باشد از دیدگاه های مختلف تحلیل شده است. مکتب اقتصاد لیبرال و کلاسیکها و نئوکلاسیک ها ریشه فقر را در چارچوب پارادایم فردگرایی و ارزش های بازار می نگرد. از این رو جامعه بسان بستری برای منازعات و رقابت ها است که به ناچار برخی از میدان به در می روند و برخی دیگر پیروز و سربلند خارج می شوند. رقابت آزاد از اصول دیدگاه تکامل گرایی و لیبرالیسم اقتصادی است و این راه گریز ناپذیر است. اما از دیدگاه برخی دیگر از مکاتب اجتماعی و اقتصادی مانند سوسیالیستها و نهادگرایان فقر ناشی از کج کارکردهای اقتصادی و اجتماعی است و امری طبیعی و خود به خودی نیست. فقر ریشه در ساختارهای معیوب نظامهای اجتماعی دارد. لازم است برای رفع آن اصلاحات نهادی صورت گیرد. مکتب نهادگرایی در اقتصاد از دیدگاه دوم جانبداری می کند.

مکتب اقتصاد نهادگرایی حدودا در سال ۱۹۰۰ میلادی توسط تورستن وبلن پایه گذاری شد. روش شناسی این مکتب در قرن نوزدهم توسط وبر، سیسموندی، مارکس و سومبارت مطرح شده بود. مکتب نهادی در چارچوب نظام سرمایه داری و در مقابل مکتب لیبرالیستی و با هدف اصلاح اجتماعی پایه گذاری شد و روشی اصلاحی بجای دگرگونی انقلابی دارد. مکتب نهادگرایی بجای تاکید اقتصاددانان کلاسیک بر فرد بر نقش موسسات و نهادهای اجتماعی در زندگی اقتصادی تاکید می کند از این رو به حوزه های جامعه شناسی نزدیک است. برای مثال مباحث صاحب نظران این مکتب مانند وبلن در خصوص مصرف طبقات اجتماعی مورد توجه جامعه شناسان بوده است.

از دیدگاه مکتب نهادگرایی، نهاد تنها یک موسسه یا سازمان نیست بلکه شامل رفتار جمعی یا گروهی، رسوم، عادات اجتماعی، قوانین، روشهای فکری، عرف و فرهنگ یک جامعه هم می شود. بنابراین اقتصاد را باید به عنوان یک سازمان یا نهاد در نظر گرفت که تمامی اجزای ان با یکدیگر و با دیگر نهادهای اجتماعی سیاسی و فرهنگی ارتباط زیادی دارند و فعالیت های اقتصادی جامعه صرفا مجموعه تصمیمات فردی برای بدست آوردن حداکثر منافع پولی نیست بلکه از آن فراتر رفته و ناشی از فعالیت های جمعی هم می شود که بزرگتر از اجزای منفصل از یکدیگر است.

در ارتباط با مقوله فقر و نابرابری، برخلاف اقتصادانان متعارف و کلاسیک که فقر را دارای منشاء فردی تلقی می کنند. نهادگرایان هنگام بررسی مسئله فقر در یک جامعه، قبل از هر چیز به وضعیت نهادهای آن جامعه توجه می کنند این نهادها بخش وسیعی را شامل خانواده، نهادهای حقوقی، قوانین ارث و مالکیت، سازمانهای سیاسی و مذهبی، دولت و نظام های ایدئولوژیک را دربرمی گیرد. برای مثال وجود قوانینی ارث موجب نابرابری می شود. بر این اساس در تبیین فقر مکتب اقتصاد نهادگرایی معتقد به فقر ساختاری است.

وبلن در کتاب، "نظریه طبقه مرفه" رابطه مصرف و فقر را تحلیل کرده است. وی نشان داد که چگونه الگوهای رفتاری و مصرفی طبقه اغنیا، به فقر منجر می شود. بر اساس بینش وبلن طبقه مرفه و مصرف تظاهری متناظر با آن، به شیوه های مختلف بر فقرا تأثیر می گذارد. یکی از طریق قدرت که موجب هدایت منابع به سمت و سوی مورد نظر اغنیای جامعه و به دور از خواسته ها و نیازهای افراد کم درآمد جامعه می شود و دیگری از طریق پس انداز. علاوه بر اینها می توان، مسیرهای دیگری مانند ترویج روحیه محافظه کاری، جنگ، تعدیل های نادرست نهادی وحتی مقولاتی مانند قوانین ارث را بیان کرد. به نظر وبلن رفتار مصرفی طبقه مرفه سبب می شود که طبقات فقیر هم از کارهای مفید و مولد خود داری کنند و در صورتی که بخواهند معروف و آبرومند باقی بمانند باید تنها به اجرای کارهای غیر مولد مانند کارهای دولتی ورزشی و جنگ بپردازند.

یکی از نوآوری های وبلن در کتاب نظریه طبقه مرفه، ایجاد پیوند بین مفهوم مصرف و قدرت است. نکته مهم در این حقیقت نهفته است که قدرت هدایت کننده منابع و فعالیت های اقتصادی است، نه خواسته های مصرف کنندگان، به ویژه فقرا. به عبارت دیگر، قدرت و ثروت است که حرف اول و آخر را می زند و مشخص می کند که چه کالایی باید تولید شود و به چه نحوی باید توزیع گردد و منابع جامعه به سمت نیازهای فقرا، و فراتر از آن نیازهای حقیقی جامعه هدایت نمی شوند.

همچنین در چارچوب اقتصاد نهادگرایی برخی از اقتصاددانان تحلیل های دور از نگرش های نهادی را برای تبیین ثروت و فقر بسیار ناقص می پندارند .از جمله دانیل فاسفل در مطالعه فقر در محله های فقیرنشین آمریکا، توجه خود را به تغییرات فناورانه و عدم تعدیل های لازم نهادی معطوف می کند. وی نشان می دهد که چگونه تغییرات فناورانه ای که موجب تغییر شکل شهرهای شده بود و در مدت زمان کوتاهی، باعث مهاجرت یک و نیم میلیون نفر از اهالی مناطق روستایی جنوب، که از کمترین آموزش و مهارت برخوردار بودند، به سمت شهرهای شمالی شد بر اساس تحلیل فاسفلد، تحت چنین شرایطی، مهم ترین صادرات محله های فقیرنشین شهری، نیروی کار ارزان قیمت آنها است که آن نیز عمدتاً در فعالیت های خدماتی به کارگرفته می شود. از سوی دیگر، بخش عظیمی از درآمد افراد ساکن در این محله های فقیرنشین، از طریق انجام فعالیت های غیرقانونی نظیر قاچاق مواد مخدر به سایر بخش های اقتصادی هدایت و موجب استمرار فقر می شود.

سیاستگذاری های کاهش فقر در چارچوب این مکتب نیز متفاوت ازجریان اصلی مکاتب اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک است. بر اساس مکتب اقتصاد نهادگرا راه کارهای کاهش فقر به سه دسته کلی: ۱. سیاستهای مستقیم کاهش فقر و به عبارت دیگر رشد به همراه توزیع و اصلاحات نهادی، ۲. خدمات اجتماعی عمومی بهتر به خصوص بهداشت و آموزش و ۳. رفع محدودیت های نهادی تقسیم می شود.

در این میان نهادهای سیاسی نقش تعیین کنندهای در کاهش فقر دارند. نهادهای سیاسی از چند طریق در مورد کاهش فقر نقش دارند. نخست، اراده سیاسی و تعهد به کاهش فقر یک پیشنیاز برای فقر محسوب می شود. دموکراسی و اراده سیاسی به کاهش فقر منجر می شود وآزادی های مدنی به عنوان پیش شرطی برای کاهش فقر تاکید می شود. به تعبیر آمارتیا سن "هیچ کشوری با مطبوعات آزاد یک قحطی بزرگ را تجربه نکرده است." دوم اینکه گروه های ذی نفوذ و ائتلاف غالب گروههای سیاسی موجب می شود دولت به ندرت یکپارچه و غیر قابل نفوذ از فشارهای سیاسی و اجتماعی ذی نفعان باشد. سوم اینکه نهادهای بین المللی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بانک توسعه آسیایی و سازمان تجارت جهانی از جمله نهاد های تاثیرگذار بر فقر هستند.

در نهایت باید گفت مکتب اقتصاد نهادگرا با هدف اصلاح ساختاری در درون نظام سرمایه داری عمل می کند و تمایلی به انقلاب و تغییرات ساختاری گسترده ندارد. از این رو نمی توان انتظار داشت فقر ریشه کن شود. زیرا ساختارهای کلان سرمایه داری همچنان حفظ می شود. با این وجود بر اساس مکتب نهادگرایی برای کاهش فقر چاره ای جز اصلاحات اجتماعی نیست و نمی توان صرفا بر اساس موعظه و نصیحت عمل کرد. تاکید این مکتب بر نهادها نسبت به جریان اصلی مکتب اقتصاد کلاسیک از جنبه فردی فراتر می رود و عناصر اجتماعی و فرهنگی در این مطالعات اهمیت زیادی پیدا می کند.



بنابر این با توجه به اهمیت سازمانها و نهادها در مقوله فقر و فقر زدایی اصلاحات ساختاری و نهادی در عادات و رسوم و فرهنگ های حاکم و سازمانهای ذی ربط لازم و ضروری بشمار می رود و باید سیاستگذاری ها به سمت مداخله بیشتردولت و سازمان و تشکل های اجتماعی در حمایت و دفاع از حقوق اقشار محروم و آسیب پذیر گرایش پیدا کند. همچنین وجود اهرم های سیاسی و اجتماعی مانند حضور احزاب و کاندیداهای انتخاباتی به نمایندگی از اقشار محروم در ساختار قدرت و مراکز تصمیم گیری می تواند نهادهای تصمیم گیرنده و قانون گذار را در جهت حمایت از فقرا تحت تاثیر قرار دهد.

منابع:
تفضلی، فریدون(۱۳۹۳) تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، تهران، نشر نی، چاپ چهاردهم
سن، آمارتیا(۱۳۹۴) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، انتشارات دانشگاه تهران
غفاری، مجتبی(۱۳۹۳) راهکارهای کاهش فقر، رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی، برنامه‌ریزی و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، ص ص ۲۴۲-۲۱۵
نورث، داگلاس (۱۳۸۵) نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه: محمدرضا معینی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، تهران
وبلن، تورستن(۱۳۸۳) نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی

ماهیگیران و کارگرانی که به لیگ۲ رسیدند



در روزهای شلوغ و پرحاشیه که فوتبال ایران تحت تاثیر نام ها و تیم های مطرح است یک اتفاق ویژه در رده های پایین فوتبال باشگاهی رخ داده و یک تیم روستایی به لیگ ۲ صعود کرد.

به گزارش"ورزش سه" ماجرا نه مربوط به قهرمانی های پرسپولیس و قهر یحیی است و نه آمدن استراماچونی و آینده فرهاد مجیدی، ماجرا حتی به نقل و انتقالات طوفانی سپاهان و بازگشت محمدرضا ساکت به مدیریت این باشگاه هم ربطی ندارد، قرار نیست درباره جادوگر و هلیکوپتر و شهریار و غزال تیزپا گزارشی بخوانید، این گزارشی در ارتباط با زنده بودن فوتبال و رشد و حرکتش در شریان مویرگی جامعه است.

یک تیم ، یک روستا

در هیاهوی اسامی درشت و تیم های بزرگ، یک تیم از یک روستای کوچک با جمعیتی نزدیک به ۳ هزار نفر توانست جواز حضور مستقیم در رقابت های لیگ دسته ۲ فوتبال ایران را به دست بیاورد.

تیم فوتبال شاهین بندرعامری با کسب ۳۹ امتیاز در مرحله دوم گروهی رقابت های لیگ دسته ۳ صدرنشین گروه سوم مسابقات شد ، با بیشترین امتیاز در میان تمامی گروه ها و حالا این تیم دستکم کاری کرده که امتیاز باشگاهش چیزی بین ۱ تا ۴ میلیارد تومان ارزش داشته باشد. در این وضعیت اقتصادی، باشگاه شاهین بندرعامری از نظر تجاری سود قابل توجهی کرده است.

آن ها اگر قصد ادامه طی همین مسیر را داشته باشند فصل آینده در رقابت های لیگ۲ باید به میدان بروند و شانس دارند که حتی رسیدن به لیگ۱ را تجربه کنند. اتفاقی بزرگ برای روستایی کوچک که در رقابت های لیگ دسته ۳ دست به کار بزرگی زده است.

بندر عامری

بندرعامری روستایی از توابع تنگستان و در ۷۰ کیلومتری شهر بوشهر است. شغل اصلی در این بندر ماهیگیری و صیادی است و براساس یکی از آخرین سرشماری ها در حدود ۳۲۰۰ نفر جمعیت دارد. آن ها تنها تیم روستایی در رده های باشگاهی فوتبال ایران در فصل آینده به حساب می آیند. شاهین بندرعامری از سال ۱۳۵۶ فعالیت خود را آغاز کرد. آن ها در سال ۱۳۹۱ توانستند در کنار تراکتور، صنعت نفت آبادان و پرسپولیس قائمشهر جزو چهارتیم نهایی صعودکننده به لیگ برتر امیدهای کشور باشند اما به دلیل مشکلات مالی و نبود اسپانسر از ادامه بازی های کشوری در رده پایه انصراف دادند.

شاهین بندرعامری در دو سال ۹۴ و ۹۵ توانست قهرمان جام حذفی استان شده و مجوز حضور در رقابت های جام حذفی کشور را بگیرد. آن ها یک بار برابر بادران در مرحله دوم دو بر صفر شکست خوردند و در سال بعد از آن پس از صعود از مرحله دوم در مرحله سوم به مصاف تیم خونه به خونه بابل رفتند و مقابل این تیم هم دو بر صفر مغلوب شدند. این تیم در سال ۹۶ به مقام قهرمانی در لیگ استان بوشهر رسید و توانست وارد مسابقات لیگ۳ شود و حالا بعد از دو سال توانسته مجوز حضور در قابت های لیگ۲ را به دست بیاورد.

اکثر بازیکنان این تیم اهالی روستای بندرعامری هستند و شغل اصلی شان ماهیگیری و صیادی و یا کارگری در کمرگ بندر است. گفته می شود هیچ کدام از این بازیکنان قراردادی با باشگاه ندارند و توانسته اند تیم را بدون اسپانسر و حامی مالی به مسابقات لیگ۲ برسانند.

البته که در این منطقه پایانه های نفتی خارک، گمرک، اسکله های صیادی و شرکت های کشتی سازی (منطقه انرژی پارس جنوبی در بیست کیلومتری این شهر واقع است) هستند که می توانند به عنوان اسپانسر و حامی مالی این تیم را در رقابت های لیگ۲ کمک کنند.

با وجود تمام مشکلات ریز و درشتی که در پیش روی تیم شاهین بندرعامری برای حضور در رقابت های لیگ۲ وجود دارد اما مردم بندرعامری اکنون و با وجود شرایط سخت اقتصادی موجود، به خاطر پیروزی و موفقیت هایی که تیم روستایشان خوشحال هستند.

امین مشایخ هافبک شاهین:

در شاهین مربی سرسخت و با نظم جواب می داد

گفتگو از مهدی صالحی



– لیگ برتر امسال هم با همه فراز و نشیب هایش به اتمام رسید بفرمائید لیگ چگونه بود؟
– به نظر من لیگ خیلی خیلی سختی بود. طاقت فرسا و بلند مدت و خسته کننده.
– عواملی که تیم شاهین شهرداری بوشهر به لیگ یک سقوط کرد چه بود؟
– والا چه بگویم، اگر در این خصوص صحبت نکنم بهتر باشد. نهایتا همه چیز دست به دست هم داد تا این اتفاق ناگوار رُخ دهد. نمی شود شخص خاصی را مقصر دانست همه مقصر بودند.
– زیاد به بازی گرفته نمی شدی، علت خاصی داشت؟
– متأسفانه فوتبال سلیقه ای است. نظر مربیان این بود که من این قدر قدر بازی کنم.
– به نظر می رسد یه جورایی در تیم شاهین حقت خورده شد؟
– صدر درصد، خیلی جاها حقم بود که به میدان بیایم ولی چه بگویم. در طول حضورهر چهار سرمربی حس می کردم که می توانم به تیم محبوبم کمک کنم و در خودم می دیدم که در زمین موثر باشم.
– در لیگی که پشت سر گذاشتیم چهار سرمربی برای هدایت تیم شاهین به سر کار آمدند. با کدامشان راحت تر بودی؟
– به نظر خودم ما مهرداد کریمیان خیلی راحت تر بودم.
– اگر میشو نمی رفت در لیگ ابقا می شدید؟
–اگر همان موقع کرونا نمی آمد و میشو از تیم ما نمی رفت، راحت در لیگ برتر می ماندیم. به نظر من بازیکنان ایرانی بایستی یک سرمربی سرسخت بالای سرشان باشد. باید با دیسیپلین خاصی با آنها برخورد کرد. بازیکنان ایرانی از سرمربی خوش اخلاق سوءاستفاده می کنند.
– در تیم شاهین هم چنین چیزی بود؟
– تا حدودی بله، اگر بخواهید شرایط کار با ویسی و یا میشو مقایسه کنیم زمین تا آسمان فرق داشت. زمان ویسی رفاقتی کار می کرد و با خیلی ها رفاقتی جلو رفت ولی این کار در ایران فایده ندارد. اما زمانی که میشو آمد با سرسختی کار می کرد و با یک نظم خاص با بچه ها برخورد می کرد و نتیجه کارش را هم گرفت.
– زمان پاشازاده و کریمیان چگونه بود؟
– آقا مهرداد هم با محبت و رفاقتی جلو آمد و این هم جواب نداد. زمان پاشازاده وضعیت بهتر شد او آدم خشکی بود و این برای تیم ما عالی بود.
– اگر بعد از میشو زمان از دست نمی رفت و پاشازاده می آمد شرایط بهتر نمی شد؟
– بله فکر کنم شرایط به مراتب بهتر می شد.
– تیم سابق شما ایرانجوان بوشهر با هزار گرفتاری و مشکلات و سلام و صلوات در لیگ دسته دوم باقی ماند. در این رابطه چه نظری دارید؟
– ایرانجوان همیشه با سلام و صلوات شروع می کند و با سلام و صلوات تمام می کند. هیچ وقت هیچ کسی خودش را صاحب نکرد و دست آنها را نگرفت، جای تأسف دارد که تیمی مثل ایرانجوان اینجوری باشد.
– مسئولین استان در مسیر سقوط شاهین چقدر مقصر هستند؟
– در خصوص مسئولین نباید صحبت کرد. آخه کی مسئولین بوشهر به فوتبال اهمیت داده اند که این بار دومش باشد. همیشه همین جور بوده. از آن تیم شاهین سابق گرفته که چه بر سرش آمد تا ایرانجوان و شاهین شهرداری. پولی که در این استان وجود دارد در هیچ کجای دنیا وجود ندارد. آخه چرا باید همیشه در شرایط سخت باشیم.
– تاکنون چند درصد از پول هایتان را دریافت کرده اید؟
– تا به امروز ۶۵ درصد دریافت کرده ایم.
– آیا مابقی را پرداخت می کنند یا مشمول تنبیه می شود؟
– به نظرم چون تیم به لیگ یک سقوط کرده جریمه می شویم.
– از چه زمانی حس کردی که شاهین دیگر در لیگ برتر نخواهد بود؟
– بعد از بازی با تراکتور که مساوی کردیم این حس بهم دست داد که سقوط خواهیم کرد. از این بابت خیلی ناراحت شدم و گریه ام گرفت. خیلی ها زحمت کشیدند تا تیم به لیگ برتر بیاید و حالا باید خیلی کار کرد تا برای سومین بار لیگ برتری شویم.
– دوست داری در کدامیک از تیم های لیگ برتر فعالیت کنید؟
– بی شک دوست دارم در تیم استقلال تهران بازی کنم چون تعلق خاطر به این تیم دارم.
– چه گپی با هواداران و تماشاگران خونگرم شاهین دارید؟
– اول از همه آنها پوزش می خواهم که برای تیم شاهین چنین شرایطی پیش آمد. انشالله روزی برسد که تیم به لیگ برتر برگردد. چون بوشهری ها شاهین را خیلی دوست دارند.
– نظر ابراهیم مشایخ (پدرت) که یکی از هافبک های ماندگار فوتبال بوشهر بوده در خصوص عدم نتیجه گیری شاهین را چگونه ارزیابی می نمود؟
– پدرم زمانی که بازی های ما را تماشا می کرد می گفت شما چرا در ارنج خود تغییر نمی دهید. چرا با یک ارنج به مصاف همه تیم ها می روید و نتیجه نمی گیرید ولی دست به تغییرات نمی زنید شاید تغییرات یک تحولی در تیم شاهین ایجاد می کرد.

چرا دوقربانی فوتبالی از بوشهر؟

حسین روئین

چرا باید با روح و روان ملتی که نیمی از جمعیتش که عاشق فوتبال محلی واستانی و کشوریست مورد خراش داس ها وچنگک های افرادی قرار بگیرد که هم مُغرضند، هم بی کفایتند، هم برای بقاء میز وصندلی خود، تن به هر ذلت و خواری می دهند، جامعه را دچار تنش می کنند وبه نوعی به خـــرَد جمعی اهانت می کنند و درکل مصلحت کشور ونَظام را رعایت نمی کنند.

مردم جم ، مردم ریز، مردن شهرها و روستاهای اطراف،اصلا کل استان بوشهر چه گناهی کرده اند که باید وجه المصالحه دوتیم بزرگ پایتخت و مسئولین بی توجه به مردم این دیار قرار بگیرند؟

آیا فرزندان استانی که کشور از منابع رو زمینی و زیر زمینی اش، بهره مند است و از قِبَل همین جهات از خروجی هایش منتفع است، نباید یک سرگرمی سلامت زا (ورزش) و خصوصا، فوتبال برخوردار باشند.

نگارنده قصد ندارد یک مسئله ورزشی را سیاسی کند،گر چه به دلایل مختلف و غیرضرور، سیاست را درتارو پودِ سیر تا پیاز ما دوانیده اند، اما خدا را خوش نمی آید، مِردمی که به هیچ قانع اند، این هیچ را هم ازشان بگیریم و دریغ کنیم.

مسئولین تربیتی وامنیتی محترم کشور و استان یه برآورد کنند ببینند چند در صد جوانان ما در گیر و سرگرم همین فوتبال و امور آن و بالطبع از تخلف و بزه ، به دورند و چرا باید خودمان را از این نعمت محروم کنیم؟. یه نگاهی به استان فارس بیندازیم.

بـرق شیراز، یکی از تیم های با سابقه وخوشنام و بازیکن ساز و پرطرفدار استان فارس بود، که هرگاه بازی داشت صد هزار نفر از خود فارس و استانهای همجوار به دیدار بازیهای برق با سایر تیم هایی که به اونجا می آمدند، می رفتند و شهر و منطقه یک نفس سلامتی ورزشی راحت میکشید. همچنین تیم فجر سپاسی و خیل هوادارانش. کو اون شور و نشاط و تعصب و هواداری و دل مشغولی و ذهن مشغولی به ورزش و فوتبال و بالطبع دوری از بزه های اجتماعی؟

ازاین رخداد در فارس چه عایدتان شد، که در یک شب دو عامل اتحاد و دلگرمی جوانان استان بوشهری را با قربانی کردنشان در مقابل استقلال پایتخت، ناجوانمردانه قربانی کردید؟، کاش می شد.

فقط درصد کمی از احساسات جریحه دار شده ی مردم وجوانان ورزشدوست استان بوشهری، اون شب را به وجدانهای به خواب رفته و بی مسئولیت اون تصمیم گیران وسایر کشور، فیلم کرد و نشان داد، کاش میدونستند شاهین یعنی جان یک بوشهری یعنی شناسنامه یک بوشهری یعنی هویت ورزشی یک بوشهری، کاش می دونستند مردم بوشهر همین قدر که بالای دلیران تنگستان وبوشهر ودشتستان و لیروای و حوالی و جم وریز وکنگان و دشتی، می بالند و افتخار می کنند از شاهین هم همین قدر، از پارس جنوبی هم همین قدر مینازند و می بالند، زیرا این مردم می دانند که با وجود این که استان بوشهر به واسطه ی داشتن (پارس جنوبی) باید شناخته و معرفی می شد، اما زمانی بوشهر تو افکار مردم کشور و حتا جهان نقش بست که بازیهای دو تیمش با سایر تیم ها، در شبکه سراسری پخش میشد و نام شاهین بوشهر و پارس جم بوشهر با زبان مفسّر ورزشی در طول یک بازی بارها وبارها به زبان میامد و بر دلها می نشست و شناخته می شد.

این همه مقدمه را چیدم تا بگویم، آقای مسئول فکر می کنی پشت درهای بسته وخفـا جلسه می گیری، می بُری و پاره می کنی و می دوزی ، مردم با پیشرفت های تکنولوژی اخباری امروز چیزی نمیدانند وحالیشان نیست؟ نه به خدا!!! مردم امروز ایران ما، از شهرهاش گرفته تا کوره دهات هاش ، امروز هریک خود یه خِبره در امور اجتماعی و سیاسی اند.

این که شما اکنون، اما خیلی خیلی خیلی دور تصمیم به فروش دوتیم پرطرفدار و صد البته پر برخوردار گرفته اید و باید این عمل سالها قبل عملی می شد، اما باز هم اینو از ورزش دوستان دریغ کردید.

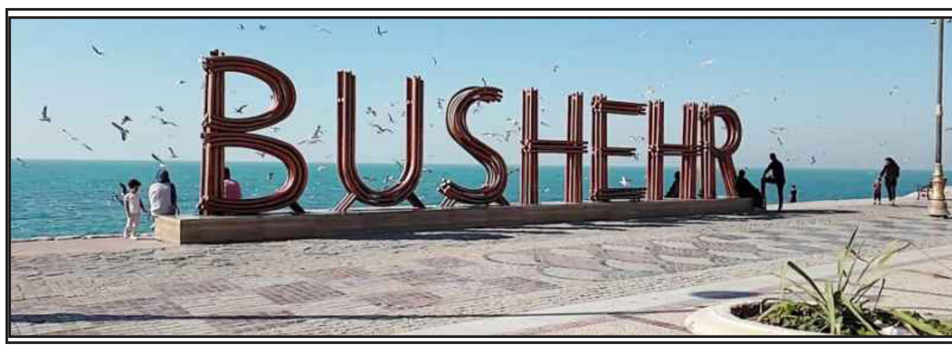
اما اکنون که این تصمیم به حق را دیر گرفته اید بازهم سبیل ناصواب در پیش گرفته اید،که همین تصمیم در قربانی کردن دو تیم لیگ برتری بوشهریها بی دخیل نبوده، چرا که الان که قرار است این دوتیم بفروش برود و با قیمت خوبی!!!! باز ضعیفان باید قربانی این قیمت شوند.!!!

پرسپولیس به دلیل پیشرفت ها و خوب ظاهر شدنها و اخذ جام های متعدد و متوالی اش، خب ازقیمت بالایی برخوردار است، اما عکس آن تیم دوم پایتخت یعنی استقلال است که در این یک دهـــه نتوانسته موفقیتی و جامی کسب کند تا دارای امتیاز قیمتی شود، تصمیم گیران برای پایین آوردن کفـه ترازوی آبـی ها،باید بر پیکر تیم هایی مثل پارس و شاهین بوشهر رَنده بکشند و بر کفه استقلال بیفزایند؟ واین ظالمانه ترین اقدام است، واین زمانی واضح تر میگردد که، استقلال که بازیکنانش را مصدوم می بیند، با بهانه مبتلا شدن به ویروس کرونا. غیر موجه و خلاف قانون در بازی با پارس شرکت نمی کند، بعد که بازیکنانش درمان می شوند وجریان، دروغ بودن ابتلا توسط آزمایش ها، لو می رود، با سکوت بعضیا و حمایت بعضی های دیگر، به جم می آید، این تیم رها شده و مظلوم و بی دفاع و بی حامی، را با لطف داوری... زیر چکمه های بی عدالتی له می کند و می رود و شب آخر همین تیم در بوشهر با تعداد گل زیاد برای بالا کشیدن خود، تیزیّ بالِ های شاهین را می کِند، سرش را می بُرد و پیکر خونینَ اش، را در مقابل هوادادران سراسر غیرتی ومتعصبش رها می کند و می رود، و در آخر درنیمه نهایی جام حذفی با زد و بندهای معمول ومرسوم، وبرای همان منظور بالا آوردن وجه ازدست رفته استقلال وبرای بالا آوَردن قیمتش ، در ورزشگاه آزادی دست به سناریوی عجیب چینش وآنالیز گل محمدی که حتا یکبار هم با این لین بندی بازی نکرده بود بازی کرد و با اون تعویض های، محیرالعقولش و لاین پنالتی زن بستنش، به عالم و آدم تفهیم کرد، که من هم دراین تصمیم و معامله ناعادلانه در بالا بردن صَنّار وغاز، تیم ناکام این دهه شریک جرمم و من و مطمئنم خیلی از هواداران ارتش سرخ، این عمل گل محمدی را نه فراموش می کنیم و نه می بخشیم.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر





گرگو ۹۹

گرگو به کجا می رود این عالم غدار

سید جعفر حمیدی

گرگو کرونا و کروناها همه هیچن
اوضاع همه ملک جهان در زر و پیچن
فتنه زکجا، مادر این فتنه کجایی است
کله م دیگه از بی خبری منگن و گیچن

*

گرگو دو سه ماهن که به بوشهر نرفتم
با این سر پر مهر چو بی مهر نرفتم
گویند مرو، تا کرونا چون سگ مسن

*

گرگو کی میگه خونه ی انصاف خرابن
شالوده ی ویرانه ی این کاخ، بر آبن
گر شصت هنر داری دستت پی بادن
این کشتی بی لنگر تو غرق شتابن

*

گرگو دم دریاییم و میگو نمی بینیم
انگار حرومن سی بوشهری چه می بینیم
از بسکی گرونن، ای روزا قیمت جونن
جز حسرت میگو دیگه چیزی نمی بینیم

*

گرگو دیگه انصاف و مروت همه حرفن
افتادگی و عشق و کرامت همه حرفن
از کوچه ی تدبیر گذر کن که ببینی
لطف کرم و باغ صداقت، همه حرفن

*

گرگو به کجا می رود این عالم غدار
بر هم زده بر اهل جهان فرصت دیدار
انداخته در بین همه سنگ جدایی
کرده همه در کوچه ی بیراهه، گرفتار

*

گرگو شو تاریک، چراغی و عصایی
بر عشق گرانبار، نه مرهم نه دوایی
وقتی که خریدار ندارد سخن تو
در مجلس اغیار چه دردی چه شفایی

*

گرگو زبوشهر هر چی که گفتیم و شنیدیم
یک نکته زارباب کرامت نشنیدیم
خواندیم بسی درس وفا در همه ایام
حرفی زصفا و زصداقت نشنیدیم

شهید غریب وطن

مهدی جهانبخشان

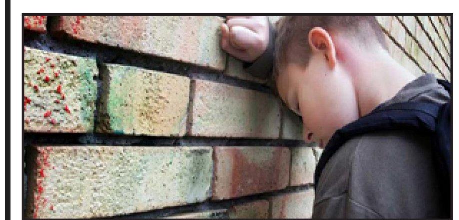
بوشهر را که بسوی اهرم طی کنی در جنوب شرقی اهرم می رسی به تونل ، تاریکی های تونل را که پست سر بگذاری خود را در بلوکات می بینی ، بسمت جنوب بلوکات که مسیر راادامه دهی ، کوه



سیاه و میان کوه سیاه، شاه پسر مرد از غریبی بزرگ را نشانت می دهد که کنار غربت خود بخاک سپرده شده و آن شهید میهن ،غضنفرالسلطنه برازجانی ، آنقدر غریب که گاه کسی ازمبارزه اش در کنار رئیسعلی دلواری و شهادتش بدست انگلیسی ها سخنی بمیان نمی آورد یا کمتر بمیان میآورد. از آن بدتر درست زیر مقبره اش یک گودبرداری شده و هیچ نهاد و هیچکس پاسخگو نیست که این گودبرداری برای چه منظوریست ؟

در این شرایط، مراقب فرزندان نوجوان باشید

آیدا چوبساز – دانش آموخته دکترای روانشناسی



خبر تاسف آور خودکشی نوجوان ۱۸ ساله ای بعد از کنکور، حادثه تکان دهنده و تاسف آوری بود.
در این مطلب سعی شده خودکشی نوجوانان و علل آن به صورت کوتاه مورد بررسی قرار گیرد.
با توجه به اتفاق پیش آمده بهتر است به باورهای غلط مربوط به خودکشی توجه شود، باورهایی چون ؛
۱. افرادی که از خودکشی حرف می زنند، به آن عمل نمی کنند.
۲. خودکشی بدون هشدار رخ می دهد.
۳. تمام آن هایی که خودشان را می کشند، افسرده هستند.
۴. افرادی که می خواهند با وسایل ساده خودشان را بکشند، در کشتن خود جدی نیستند.
خودکشی دومین علت اصلی مرگ و میر در سنین ۱۵ تا ۲۹ سال در جهان است. خودکشی عملی عمدی است که باعث مرگ می شود. علل خودکشی به انواع مختلفی تقسیم می شود؛ یکی از مهم ترین دلایل آن در این گروه سنی نداشتن حس خودکارآمدی (توانایی انجام دادن وظیفه) می باشد که زمانی که نوجوان فکر کند توان انجام دادن وظایفش را نداشته باشد، افکار از بین بردن خود آشکار می شود.
علت دیگر در اقدام به خودکشی، کنترل شدید و سختگیرانه والدین است، بهترین الگوی والدینی می تواند روش مقتدرانه باشد که در آن والدین طوری رفتار می کنند که در عین اقتدار و محبت به نوجوان، او را آزاد میگذارند تا در مورد خود و آینده اش تصمیم بگیرد.
متاسفانه در فرهنگ ایرانی، در مواجه با نوجوانان با جملاتی چون او هنوز بچه است، اشتباه می کند، راه درست را بلد نیست و ... مواجه می شویم که این مساله منجر به حس عدم کارآمدی و تشدید آن باعث فکر نبودن در این دنیا باشد.
عامل دیگر این امر، نداشتن مهارت حل مساله است. در مجموع معمولا مشکلات به دو طریق هیجانی و عقلانی حل میشوند، که راه حل هیجانی شیوه اشتباه است. همچنین می توان به عوامل مهم دیگری چون تحت تاثیر گروه همسالان قرار گرفتن برای از بین بردن خود، بازی های اینترنتی با این محتوا، نداشتن عزت نفس و ... اشاره کرد.
نکته مهم در مورد عزت نفس این است که باید توجه دهی مثبت و حمایت مثبتی از فرزندان خود داشته باشیم، به عنوان نمونه در مسئله کنکور بخاطر نداشتن علاقه فرزند به رشته های مورد نظر والدین، هویت و شخصیت او را زیر سوال نبریم، زیرا عامل مهمی که در این دوران باید شکل بگیرد حس صمیمیت و بودن با دیگران است که شکست در این مرحله بیانگر مشکلات زیر بنایی یعنی نبود حس هویت است.
علایم هشدار دهنده خودکشی شامل، داشتن تجارب نزدیک به رفتار خودکشی گرا در خانواده، تحقیر خود، تغییر ناگهانی در علاقه به فعالیت معمول، خود انتقادی، رفتار خصومت آمیز، سابقه ی افکار و اقدام به خودکشی می باشد.
در این بحران کنکور در کرونا بیشتر مراقب فرزندان خود باشید.

دو رباعی از عبدالمجید زنگویی

خیام بیا ،که مشت هاباز‌کنیم
تنبیه هزار چهرگان ساز کنیم
ماییم وبساط خدعه ورنگ وریا
برخیز که تا هوار اغاز کنیم
۲
خیام بیا ،هوا دگرگون سازیم
خودرازمسیرجهل بیرون سازیم
این جا خفه می کندهوا انسان را
ازلوت بیا غنای کارون سازیم

آثار موسیقی آیینی مذهبی استان بوشهر تدوین شد

بوشهر-ایرنا- انجمن موسیقی بوشهر با حمایت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان، مجموعه‌ای از مداحی مداحان پیشکسوت و مجرب این استان را تهیه و تدوین کرد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر در این ارتباط گفت: بوشهر در حوزه برگزاری مراسم آیینی و مذهبی از استان‌های صاحب سبک است و مردم دیندار این استان در طول تاریخ با برگزاری مراسم مختلف فرهنگی و مذهبی این مهم را اثبات کردند.
فاطمه کرمپور افزود: استان بوشهر در کنار جاذبه‌های تاریخی و گردشگری، فرهنگ پر محتوای آیینی و مناسبتی را در خود دارد که این قبیل مراسم آیینی، نشان از علاقه‌مندی بالای مردم این استان به سرور و سالار شهیدان است. این گونه مراسم خود به تنهایی می‌تواند معرف فرهنگ استان و جذب کننده گردشگر باشد که باید از این ظرفیت نهایت استفاده شود. با توجه به حضور استادان برجسته و هنرمندان نوحه سرا از زمان مرحوم ناخدا عباس دریانورد تا کنون موسیقی مذهبی بوشهر بسیار فاخر و درخشان بوده است و می‌توان آن را در تمام کشور به عنوان یکی از برترین‌ها نام برد.

یادِ همایون دوست

دکتر فیوض، روشناییِ بَخش شهرمَان بوشهر چگونه خاموش شد؟

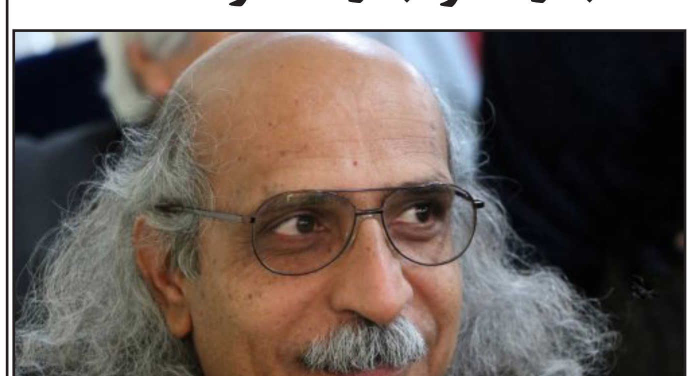
دکتر عبدالرحیم مهرور: در جامعه خاموش و مرده کرونایی هنوز بودند یا هستند افرادی که روشنایی بخش محفل جامعه اند گرچه اندک اند و گمنام .
دکتر همایون فیوض از خانواده ای متشخص، فهیم و اصیل بوشهری پا به عرصه طبابت گذاشت و الحق که برازنده همایونی بود ولی در معرفت و انسانیت گمنام رفت زیرا انسانی بدون حاشیه و بی رنگ و ریا بود. سالها همدیگر را می شناختیم از یک سال قبل ارتباط صمیمی مان افزایش یافت تا اینکه کرونای پلید و آدمخوار در زمان بستری شدن ایشان چند ساعتی این ارتباط صمیمی را بیشتر کرد غافل از این که این آشنایی دولتِ مستعجل بود. در صبحی نفس گیر از بخش داخلیِ مردان طی تماسی موبایلم بصدا درآمد مسئول بخش در یک گفتگوی کوتاه فرمودند که آقای دکتر بستری است و وضعیتش مناسب نیست سریعا خودم را بر بالین ایشان رساندم از آنجایی که در لباس مخصوص کرونایی بودم خودم را معرفی کردم بسیار خوشحال شد، سپس ایشان را دلداری دادم و بعد از گرفتن هیستوری ایشان را بیشتر امیدوار نمودم اما چهره اش نا امید کننده بود، گویا از ده روز قبل مبتلا به کووید ۱۹ شده بود و یک روز بستری و با علائم خفیف مرخص شده بود اما روز دهم انگار عاشورای دکتر داشت رقم می خورد، عاشورایی که برگشت ناپذیر بود زیرا همه علائم را داشت ، تنگی نفس ، نفس های تند ، اکسیژن خون پایین و بر افروختگی که خبر از یک تشنگی عاشورایی می داد. با نا امیدی از ایشان خداحافظی موقتی کردم تا مقدمات بستری در ICU را فراهم کنم ولی هر ۲۰ تخت ICU را این ویروس جانی اشغال کرده بود سریعا با سوپروایزر تماس گرفتم اما مایوس بعد از آن با دکتر یزدان پناه معاون بیمارستان ارتباط بر قرار کردم و امیدوار کننده تا اینکه موفق شدیم در ظهر عاشورای دکتر جایی در آنجا فراهم کنیم . گویا اینجا صحرای کربلای آقای



دکتر رقم خورده بود. بعد از آمدن به ICU حدود سه ساعت بدون وقفه بر بالین ایشان حاضر بودم، در لابلای ادامه درمانش با هم گفتگو کر
دیم اما صفحه مانیتورینگ علائم حیاتی را بد طوری آلارم می زد، دکتر هم خودش می دانست که چه عاشورایی در انتظارش است. برای بهبودی بهتر چند بار به فاصله هر ۱۵ دقیقه ایشان را وادار به خوابیدن روی شکم می کردم، اما زیاد تحمل نمی کرد و می نشست و بنده با دست گاهی ناحیه سینه ماساژ و گاهی فیزیوتراپی می دادم و در لابلای آن با خانواده در تماس بود اما ویروس با التهاب ریه تخریب خودش را گذاشته بود . ساعت سوم بود که مرز بین زندگی و مرگ از میان برخاست(اکسیژن خون شریانی که باید نرمال آن بین ۱۰۰-۹۵ باشد رفته رفته به ۶۰ درصد تنزل یافت) و راهی جز آخرین روش درمان یعنی ساپورت تنفس با دستگاه تنفس مصنوعی باقی نگذاشته بود. از قبل همه وسایل به کمک پرستاران مهیا نمودم و در حالی که داشتم لوله تهویه اکسیژن را در ریه دکتر قرار میدادم بعلت لایه ای از ترشحات دهان، دید خوبی نداشتم و از آنجایی که زمان در آن لحظه ثانیه هایش هم مهم بود بجای اینکه با لوله ساکشن راه هوایی را باز کنم ماسک دهانی خودم را از دهانم پایین کشیدم و از طریق دهان به دهان با فوت کردن به دهان دکتر راه هوایی را باز کردم اما در یک لحظه ارست قلبی داد(همان چیزی که انتظارش داشتم). بعد از ۴۵ دقیقه احیا ناموفق و در حالی که فرزندش پشت درب ICU منتظر خبر امیدوار کننده بود و کسی جرات نمی کرد پیام ناگوار و ماجرای تلخ عاشورایی پدر را به پسر برساند بنده ناچارا این ماموریت را انجام دادم اما الامان از ناله های این فرزند دوست داشتنی که چگونه خوبی های پدر را با ناله و اشک ریزان توصیف می کرد، انگار تازه تاسوعای پدر شروع شده بود اما دیگر دیر و دیر و دیر شده بود.

درگذشت طنزنویس شهیر استان بوشهر

دشتستان بدون تو، بدون طنز ...



حسن انصاری از طنزنویسان باسابقه استان بوشهر درگذشت. این طنزنویس ساکن دشتستان که سالها دبیر ادبیات آموزش و پرورش نیز بود، بر اثر کرونا در بیمارستان درگذشت.
شادروان انصاری در اوایل دهه هفتاد فعالیت فرهنگی خود را با نوشتن شعرهای طنز در آینه جنوب آغاز نمود و کارهای طنز خود را با نام امرو هیچستانی منتشر کرد.
وی از آن موقع تا قبل از مرگ، حضوری فعال در عرصه طنز استان داشت. از شادروان انصاری دو کتاب طنز با عنوان «مطبوعاتی های نامطبوع» و «تلقند» منتشر شده است. وی شخصیتی مهربان، دوست داشتنی و صمیمی بود که فقدانش در ۵۶ سالگی باعث ناراحتی دوستان و خوانندگان آثارش شد.
ضایعه دردناک درگذشت این فرهنگی بازنشسته، شاعر طنزپرداز و نویسنده خوش ذوق را به خانواده محترم ایشان و اهالی فرهنگ و قلم تسلیت میگوییم.

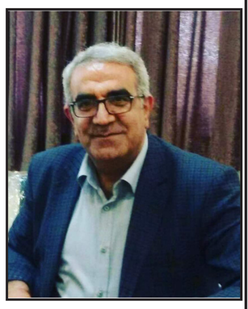
حاشیه های طنز حسن انصاری (امرو هیچستانی) در خاکسپاری استاد فرج کمالی را می خوانید:
راستش من نمی توانم حتا در تلخ ترین شرایط از گونه زبانی خودم بگذارم...
دیروز به آرامستان برازجان آمدم، با افراد زیادی مواجه شدم که استاد خطابم می کردند، برداشت من این بود که افرادی که با من عکس می اندازند، دارند مرا می برند در صف مرگ هنرمندان و برای اینستاگرام خود از همین حالا استوری آماده می کنند.

دیروز آن شاعره محلی گوی دشتستان هم شعری در وداع با استاد کمالی خواند، با خود گمان می کردم اگر در سوگ من سروده می‌شد، باید این گونه می بود:

دوباره تغرق می آید
لایه اوزون بالای سر دشتستان پاره میشود
و در دره هایِ بوم بلند پیچ می‌خورد،
زیر شلوار گل گلی غرق
زیر بالِ مِینار هلپه
دوباره پِشه کوره ها وینگه می دهند
اما «امرو»
بدون شلال پشت موهایش
با سر بی مو
سرگردان در تلقند هایش
رو به دادگاه برازگون
کلووار طنز می خواند
دوباره کُنار ها آرده می زنند
و خیار تهلوک
روی پولک های دره آردو
چیل فِج می کند
اما...
اما دشتستان...
اما دشتستان بدون تو
بدون بوی خرزهره ی طنز هات
بدون کلاغ سفید سیبیل هات
بدون طنز ... بدون طنز هات...
پَنگ خشکیده ی نخلی است
که فقط به درد جاروف می خورد
الف.هیچستانی

رنج های اقلیت بودن

دکتر سعید معدنی



دبیرکل سازمان ملل به دولت هند به دلیل بد رفتاری با مسلمانان هشدار داده است. ظاهرا از زمانی که نخست وزیر فعلی -هندو مذهب - و همفکران و همراهانش بر حکومت هند تسلط یافته اند، مسلمانان اقلیت هند مورد آزار و بی احترامی قرار گرفته اند تا آنجا که گوترش دبیر کل سازمان ملل به این نتیجه رسیده است که "به دلایل واهی امکانات درست پزشکی در اختیار مسلمانان قرار نمی گیرد".
سالها قبل دوست و همکاری داشتیم که اهل سنت بود و به شکل حق التدریس در دانشکده ما تدریس می کرد. این همکار ما آدم اهل مطالعه، ژرف اندیش و مبادی آداب بود. یک بار تعریف می کرد که سر کلاس بوده و در میان دانشجویان اختلاف می افتد در مورد این که آیا هفته بعد امتحان کلاسی هست یا نه؟ وی می گفت در حالی که رو به تخته بودم و داشتم مطلبی می نوشتم یکی از دانشجویان گفت " استاد امتحان نیست، راوی سنیه"! در حالی که دانشجویان نمی دانستند من سنی هستم برگشتم گفتم " مگه سنی چشه؟" وقتی دوستم این داستان را با خنده تعریف کرد پرسیدم "راستی اقلیت بودن سخته، نه؟" دوستم با کمی مکث جواب داد "خیلی!".این واژه"خیلی" در ذهن من هک شد با خود همیشه می اندیشم من در یک خانواده شیعه



و در کشوری با اکثریت شیعه بزرگ شده ام و هر جور دلمان خواسته برای امامان مراسم گرفته ایم. عید غدیر، نیمه شعبان، شب های احیا، دهه محرم و... اما بی شک اقلیت های مذهبی دیگر و یا با کمی دقت حتی شیعیانی که متفاوت می اندیشند از آزادی مثل آزادی اکثریت بر خوردار نیستند. ابن موضوع نه تنها در جامعه ما بلکه متاسفانه در همه جای جهان رایج است، حتی در برخی کشورها با خشونت برهنه و آشکار نیز همراه است. هنوز قتل عام مسلمانان روهینگیا (میانمار) یادمان نرفته، و یا هنوز کشتار فجیع چند سال قبل شیعیان افغانستانی در روز عاشورا را فراموش نکرده ایم و هر از چندی این داغ تکرار و تکرار می شود. اقلیت آزاری حتی در کشوری مثل هند که نام بزرگترین دمکراسی را با خود یدک می کشد هم اتفاق می افتد. تا آن جا که دبیر کل سازمان ملل را مجاب به ارسال پیامی برای حاکمان هند می کند، بخصوص شیوع کرونا باعث شده تا بر این اقلیت آزاری در هند افزوده شود و اکثریت هندو مذهب -که حکومت نیز دست ایشان است - مسلمانان را عامل گسترش کرونا تبلیغ کنند! خبر گزاری های رسمی گزارش داده اند: "دبیرکل سازمان ملل طی پیامی نسبت به تداوم بدرفتاری دولت هند با مسلمانان این کشور به بهانه‌های مختلف، هشدار داد و از هند خواست به تبعیض نژادی علیه مسلمانان خاتمه دهد." «آنتونیو گوترش» گفت که سران حزب حاکم و شبکه‌های خبری حامی دولت هند با عجله سعی دارند مسلمانان را در افزایش تعداد مبتلایان به کرونا در این کشور مقصر جلوه دهند. دبیرکل سازمان ملل افزود که مسلمانان در هند مورد حمله قرار گرفته و به دلیل واهی ترس از کرونا امکانات پزشکی به درستی در اختیار آن‌ها قرار نمی‌گیرد. (روزنامه اطلاعات ۳ شهریور ۱۳۹۹).
وجود اقلیت های مذهبی، قومی در هر جامعه ای گریز ناپذیر است. باید یاد بگیریم که حقوق حقه ایشان از سوی اکثریت مراعات شود. فرقی نمی کند این اقلیت مسلمان باشد یا غیر مسلمان.
در این روزهای سخت کرونایی با خود می اندیشم که شیعیان اقلیت سایر کشورها که زیر نگاه تند اکثریت زندگی می کنند چگونه می توانند پس از قرن ها در سکوت مراسم عزاداری را برگزار کنند تا بهانه ای به دست اکثریت بعضا" تندرو و خشن ندهند.